یادداشت

سهم فعالیت‌های قرآنی از بودجه

محمدحسین فریدونی*

* کسانی که در جریان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشورند، بخوبی می‌دانند که عوامل انسانی هیچ‌یک از نهادهای کشور به اندازه مدیران و کارشناسان ارشد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در جهت‌گیری‌های کشور تأثیرگذار نیستند. قول معروفی است که می‌گوید هر وقت خواستید سیاستی را از بین ببرید، به آن بودجه کافی ندهید.

در طول دوره‌ها و دولت‌های گذشته بسیار اتفاق افتاده است که مصوباتی توسط مجلس یا هیأت وزیران با جهت‌گیری‌های خاص ابلاغ شده، اما در زمان بودجه‌ریزی کارشناسان برنامه و بودجه بوده‌اند که به میزان اعتقاد خود به آن جهت‌گیری اجازه داده‌اند که تحولی ایجاد شود یا برخی اوقات نشود.

*تجربه نشان داده است که تأثیر تصمیم‌های وزیران و مجلس شورای اسلامی در تغییر ارقام بودجه و ردیف‌های آن بسیار محدود است، چرا که نظام بودجه‌ریزی اهرم‌هایی تعادلی دارد که دامنه تغییر را محدود می‌کند و تحولات جدی در آن باید قبل از تنظیم پیش‌نویس لایحه و توسط خبرگان این فن در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انجام شود.

* در طول سالیان گذشته به رغم این که شعار و اعتقاد مدیران کشور توجه به نهادهای غیردولتی و توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه بوده است، ولی واقعیت آن است که سهم بخش قرآنی غیردولتی در میان عنوان‌های مشابه بسیار اندک و بعضاً غیرقابل تصور بوده است! عواملی چون مطالبه نکردن جدی جامعه قرآنی، توجه نکردن جدی دولت به موضوع و تصور دولتی شدن دین در صورت کمک دولت به بخش مردمی قرآنی بخشی از این عوامل بوده‌اند.

تحولات سال گذشته نشان داد که دولت و مجلس بر کمک جدی به توسعه فعالیت‌های قرآنی و حمایت از فعالان قرآنی در بخش مردمی هستند. تشکیل فراکسیون قرآن کریم و عترت در مجلس و اعلام آمادگی قریب به اتفاق نمایندگان برای عضویت در آن و نیز عضویت رئیس و هیأت رئیسه در این فراکسیون، اظهارات مکرر رئیس جمهوری مبنی بر ضرورت توجه به قرآن کریم و فعالیت‌های قرآنی، تغییرات اساسی (تشکیلاتی و برنامه‌ای) ایجاد شده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای حمایت از فعالیت‌های قرآنی، هریک نشان دهنده عزمی نوین برای تحول در مسیر توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه به دست مردم و با کمک و پشتیبانی دولت است.

* در سال گذشته و با اهتمام دست‌اندرکاران بودجه بخشی از بودجه حمایتی در اختیار مراکز قرآنی قرار گرفت. ساختار نظارتی ایجاد شده برای این بودجه در سازمان مدیریت و اختصاص آن به صورت برنامه‌ای همگی از نقاط روشنی است که درباره سایر بودجه‌های حمایتی دولت در ادوار گذشته و سال جاری بی‌سابقه بوده است. بنابراین، نظامی اطمینان‌بخش برای نحوه هزینه کردن بودجه حمایت فعالیت‌های قرآنی وجود دارد. با این اوصاف زمینه لازم برای جبران کاستی‌های گذشته و سرمایه‌گذاری در شأن توجه به فعالیت‌های قرآنی ایجاد شده است.

* اطلاع یافتیم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیش‌نویس بودجه سال ۸۶ بودجه قرآنی حمایتی را به نحو مطلوبی افزایش داده و به سازمان مدیریت اعلام کرده است. اکنون نوبت کارشناسان سازمان مدیریت است که با تصمیم‌گیری مناسب زمینه رشد و تحول فزاینده امور قرآنی را فراهم کرده و در باقیات و صالحات ناشی از آن سهم قابل توجهی داشته باشند.

گرچه می‌دانیم معمول نیست که ردیف‌های بودجه افزایش چندبرابر داشته باشد، اما این را هم می‌دانیم که کار بزرگ در پیشگاه خداوند، مزدی بزرگ دارد. فراموش نکنیم که پیامبر (ص) فرمود: «قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعت آن مقبول است.»

*دبیر کمیته قرآنی شورای عالی انقلاب فرهنگی

شهریار پرهیزگار

جریان ساز حفظ قرآن

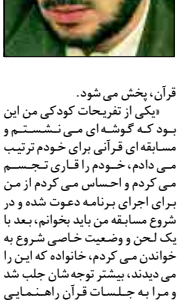

دکمه Play ضبط را که می‌زنی، شروع می‌کند به خواندن. صدایش خیلی به گوش آن آشناست. سالهاست جزء خوانی ماه رمضان تلویزیون غرق اوست. البته تا قبل از این که شبکه قرآن ایجاد شود و انواع و اقسام صداهای معروف و غیرمعروف، داخلی و خارجی و اسمایی که حتی تا حالا به گوش‌ات هم نخورده! را ببینی و بشنوی!

کمتر CD قرآنی پیدا می‌کنی که یک دوره ترتیل قرآن با صدای او را نداشته باشد. کمتر حافظ قرآنی را پیدا می‌کنی که حداقل اسم او را نشنیده، حالا چه برسد به اینکه با نوارهای سه بار تکرار قرآن را حفظ کرده باشد. «شهریار پرهیزگار» برخلاف خیلی از چهره‌های برجسته قرآنی کشور، در میان عموم مردم هم نامی آشناست. شاید چهره‌اش را نشناسند، اما اسمش را بعید است نشنیده باشند. محجوب، آرام، جوان، با صفا و قرآنی شاید نخستین صفت‌هایی باشد که با دیدن چهره او در ذهنت می‌گذرد که البته واقعیتش هم همین است!

«پرهیزگار» را بیشتر از دوره ترتیل معروفش می‌شناسیم تا قاری قرآن بودن و هر چیز دیگر. شاید خیلی‌ها ترتیل او را از لحاظ فنی قبول نکنند، اما جسارت و قابلیت یک جوان ایرانی در کنار تبحر و تسلط او بر فنون قرائت قرآن، واقعاً قابل ستایش است. خود من از همان دوران نوجوانی از مدافعان سرسخت پرهیزگار بودم و البته از علاقه‌مندان به او. جزو نخستین‌های ایران اسلامی است که در مسابقات حفظ قرآن در سطح دنیا شرکت کردند. متولد مرداد ۱۳۴۳، بچه تهران. شاید مادرش وقتی دعا و قرآن را با آهنگی حزین در خانه می‌خواند، فکرش را هم نمی‌کرد این کار او تأثیری روی شهریار کوچک عزیزش می‌گذارد که حالا طنین صدای همان کودک ۴۰ سال پیش، در خانه‌های دیگر و در گوش کودکان علاقه‌مند به قرآن، پخش می‌شود.

«یکی از تفریحات کودکی من این بود که گوشه‌ای می‌نشستم و مسابقه‌ای قرآنی برای خودم ترتیب می‌دادم، خودم را قاری تجسم می‌کردم و احساس می‌کردم از من برای اجرای برنامه دعوت شده و در شروع مسابقه من باید بخوانم، بعد با یک لحن و وضعیت خاصی شروع به خواندن می‌کردم، خانواده که این را می‌دیدند، بیشتر توجه‌شان جلب شد و مرا به جلسات قرآن راهنمایی کردند.»

مثل خیلی دیگر از قرآنی‌های تهران، در جلسات استاد مولایی شرکت می‌کرده و آنجا حافظ قرآن شده، قبل از انقلاب ۱۳ سال که داشت، نخستین تجربه رسمی‌اش در فعالیت‌های قرآنی، نخستین کار سیاسی‌اش هم بود! مسابقات قرآن مسجد لاله‌زار در مقابله با رژیم طاغوت برگزار شده بود و شهریار آنجا آیاتی از سوره یوسف را به زیبایی خواند.

در نگاه اول هرچقدر فکر کنی هیچ ربطی بین او و مدرک تحصیلی‌اش پیدا نمی‌کنی، مهندسی کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی، اما بعد می‌فهمی که حتی چند تا کتاب مربوط به رشته‌اش را هم ترجمه کرده. از معدود حافظ‌های ایرانی است که در مسابقات عربستان اول شده (این که می‌گویم معدود، دلیلش را باید از عرب‌ها پرسید!)

بهترین خاطراتش، دست بوسی حضرت امام و رفتن به داخل کعبه است. داوری مسابقات خیلی سطح بالا، تدریس و تربیت مربی، شرکت در تصمیم‌سازی برای امور قرآنی کشور، رفتن به کشورهای خارجی برای تبلیغ و... از فعالیت‌های قرآنی اکنون اوست. نقش «شهریار پرهیزگار» در ایجاد «جریان حفظ قرآن» در ایران بعد از انقلاب، غیرقابل انکار است. کمتر حافظ قرآنی پیدا می‌کنید که خاطره‌ای از صدای گرم پرهیزگار، از دورانی که قرآن حفظ می‌کرده، در ذهنش نمانده باشد. نام او با «حفظ قرآن» عجین شده. بیشتر از آنچه تدریس‌ها، تربیت مربی، تألیف کتاب در زمینه حفظ قرآن، شرکت و درخشش فوق‌العاده او در مسابقات ملی و جهانی در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، شرکت در تصمیم‌سازی‌های کلان قرآنی کشور، او را به «جریان ساز حفظ قرآن» تبدیل کند - که البته این‌ها هم مؤثر بوده‌اند - صدای گرم و دلنشین، خلاقیت و نوآوری، تسلط بر قرائت قرآن و از همه مهمتر اخلاص و صفای او هنگام خواندن دوره کامل ترتیل قرآنش بوده که نقشی بی‌بدیل در ایجاد موجی از شور و علاقه نسبت به حفظ قرآن در کشور داشته است. حرف‌هایی هم برای فعالان قرآنی دارد: «فعالیت‌های قرآنی کشور باید از این حالت ضعیف، پراکنده و غیرتشکیلاتی خارج شود و مورد توجه مسئولان قرار گیرد، باید میان عناصر قرآنی، همدلی واقعی ایجاد شود، آنها باید در موضعگیری‌هایشان همواره تمایلات معنوی را مدنظر بگیرند و از هرگونه نفسانی‌کردن دور باشند و زمینه پرهیزند و...»

شهریار پرهیزگار یکی از چند ده و شاید هم چند صد یا بهتر چند هزار، چهره‌ای است که زندگی خود را وقف قرآن کرده‌اند، قدر این خادمان قرآن را باید بیشتر از اینها دانست.

آفرینش هنری درقرآن کریم

حقیقت آفرینش

بخش سوم

البته بنیادی‌ترین پرسش درباره آفرینش هنری درواقع به بیان حقیقت آن مربوط می‌شود؛ این که آفرینش هنری به راستی چیست و آیا با صور و خیالی که در شعر به طور عام و مستمر و به طور خاص از آن سخن می‌گویند سنخیتی دارد و یا خیر؟ قرایین شعور در کتاب شگرفی هاى قرآن کریم با تفصیل بیشتری دراین باره سخن گفته و به یاد داشته است که قرآن کریم در ماهیت خویش از بسیاری جهات غیر از آن که یک متن زبانی به شمار می‌آید، منحصر به فرد است و همین ویژگی است که مقولات قضیه اعجاز زبانی را شکل می‌دهد و در همین راستا نیز می‌توان دریک فرآیند روشمند و مبتنی بر قاعده اعجاز زبانی قرآنی را مستدل ساخت، اما در این مقال باید بر این نکته تأکید بگذارم که آفرینش هنری عبارت از روشی است که با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات آن تنها در قرآن کریم به طرزی شگرف به خدمت گرفته شده است از این روی ابتدا آفرینش هنری را از نگاه پردازنده این نظریه بیان خواهیم کرد و پس از آن سعی ما برآن خواهد بود که تفاوت‌های اصولاً ماهیتی آفرینش هنری در قرآن کریم و خیال در کلام انسانی را مورد دقت نظر قرار دهیم. سید قطب خود در گزارش نظریه «آفرینش هنری در قرآن کریم» می‌گوید: تصویر صورت آفرینی / آفرینش هنری درواقع برترین ابزار بیان در سبک و اسلوب قرآنی است. آفرینش هنری به راستی از معانی ذهنی، حالت روحی، خدا و محسوس، صحنه دیدنی، نمونه انسانی و طبیعت بشری با نوعی نقش آفرینی و صورت حس شدنی و در عین حال پندآری (مخیل) تعبیر می‌کند، آن گاه نوعی نقش تصویر شده را بالاتر می‌برد و به او حیاتی شاخص و حرکتی نوین می‌بخشد، به گونه‌ای که فضای ذهنی هیأت و حرکتی می‌یابد و حالت روحی، تابلو یا صحنه‌ای دگر می‌شود و نمونه انسانی شاخصی زنده به خود می‌گیرد و طبیعت تجسم یافته و قابل رؤیت می‌نماید. اما به رخدادها، صحنه‌ها، چشم‌اندازها و قصه‌ها چنان هیأتی می‌بخشد که گویی شنونده زندگی را هم اکنون در آن حس می‌کند و آن از حرکت و جنبش برخوردار است و اگر دیالوگ و گفت‌وگو را نیز برآن بیفزاییم، تمامی عناصر تخیل در آن استوار و برجا ملاحظه می‌شود، آنگاه دیری نمی‌پاید که نمایش آغاز می‌شود و شنوندگان (یا خوانندگان)، به تماشاگر تبدیل می‌شوند تا آنجا که حتی آنان را به صحنه رخدادهایی می‌برد که سالها از اتفاق آنها گذشته است و یا به پی آیند چشم‌اندازها و نوآفرینی حرکات به تماشای رخدادهایی می‌نشیند که ممکن است در آینده اتفاق افتد و شنونده (یا خواننده) فراموش می‌کند که آن کلامی است که دارند آن را می‌خوانند و یا مثل است که آن را درمیان می‌آورند، بلکه برایش چنان می‌نماید که گویی صحنه‌ای به نمایش درمی‌آید و یا واقعه‌ای است که رخ می‌دهد و این‌ها در واقع به صورت عینی و به دنبال یکدیگر از صحنه می‌رود و برصحنه می‌آیند و این نشانه‌های انفعال یا گونه‌های مختلف یافته‌ای برجوشیده از مواضع و هماهنگ با رخدادهاست. واژگانی که بر زبانها جاری می‌شوند. اما از احساس‌های نهفته برمی‌جوشند. آری زندگی است و داستان زندگی نسبت به گونه‌ای که اگر تصور کنیم ابزاری که این معانی ذهنی، حالات روحی، تشخص نمونه انسانی حالات موقتی (دیدنی) همین الفاظ خشک و بی‌روح هستند نه گونه‌های مختلف تصور و نه انسان‌هایی برخوردار از قدرت بیان. آن گاه است که جایگاه اعجاز را در تعبیر قرآنی به درستی می‌توانیم درک کنیم.[۶]

چنان که ملاحظه می‌شود دراین نظرگاه، آفرینش هنری در قرآن کریم برخلاف خیال در کلام بشری، فرایند دیگر را طی می‌کند، زیرا خاستگاه خیال اشیای مجسم و عینی هستند که در ذهن انسان پرورده می‌شوند، حال آن که آفرینش هنری در قرآن عبارت از تجسم بخشیدن به معانی ذهنی، حالات روحی و رخدادهای اتفاق افتاده در گذشته و یا اتفاقات آینده است که همه اینها در حکم معانی ذهنی هستند، زیرا به عنوان نمونه از رخدادهای گذشته تنها روایت ذهنی بر جای مانده که احیاناً به صورت مکتوب یا در سینه مردمان محفوظ مانده است که البته تجسم عینی بخشیدن به آنها کاملاً به فرایندی که در خیال شاهد آن هستیم تفاوت می‌کند. دیگر آنکه آفرینش هنری در قرآن کریم از آن حیث که کلام خداوند است پیوند دایمی با حقیقت دارد، حال آن که خیال به ویژه در اعصار گذشته همواره با وهم آمیخته بوده است. برای آن که موضوع هرچه ملموس‌تر بیان شود، ابتدا گزارشی از خیال در نظرگاه ادب پژوهان و ناقدان ادبی در شرق و غرب عالم بیان می‌شود، تا معلوم گردد که صورت‌پردازی و نقش آفرینی هنری در آیات و عبارات قرآنی در ماهیت خویش با خیال در کلام بشری کاملاً تفاوت دارد، ویرنیان اصولاً وهم و خیال را یک چیز می‌دانستند و پیشینیان می‌کوشیدند که دامن ادب را هرچه بیشتر از خیال به این مفهوم مبرا بدانند، چنان که لاپرویبر فرانسوی از پیروان مکتب کلاسیک می‌گوید: باید هرچه بیشتر تلاش کنیم که در سخنان و کتاب‌ها می‌کاستی از خیال دیده شود، چرا که خیال غالباً جز پاره‌ای افکار کودکانه، چیز دیگری به بار نمی‌آورد و این به راستی سزاوار شأن و جایگاه ما نیست و برای رسیدن به رأی صواب و نیز برخوردار بودن از قوه تمیز و رسیدن به مقام والایی هیچ فایده‌ای بر خیال بار نیست و می‌باید اندیشه‌های ما از ذوق تسلیم و خرد ناب برجوشد و افکار ما باید برآمد نفوذ بصیرت ما باشد، حتی پیروان مکتب کلاسیک، خیال را از مشترکات انسان و حیوان می‌دانستند و همواره شاعر را در بند نهایه تقلید نگاه می‌داشتند تا پی راه نگردد. بیشترین تحول را در مفهوم خیال کانت فیلسوف آلمانی پدید آورد، کانت معتقد بود که خیال گرانقدرترین قوه انسان است و هیچ یک از قوای بشر بی‌نیاز از قوه خیال نیست، اما ورد ورث، میان وهم و خیال قائل به تفاوت است و چنین باور دارد که وهم خطرهایی را به همراه دارد، اما خیال قوه‌ای والا است. او معتقد است که وهم سلبی است و با مظاهر صور به ناراستی و به وادی خدعه و نیرنگ سوق افتد. اما خیال به یک عدسی ذرین می‌ماند که شاعر می‌تواند از لابه‌لای آن موضوعاتی را ببیند که در رنگ و ساختار خویش اصیل هستند.[۷]

هرچند که نمایندگان مکاتب ادبی بکوشند تا خیال را پالوده جلوه دهند، اما ملاحظه می‌شود که در هرصورت معتقدند که خیال با ناواقع و گاه با دروغ نسبی کاملاً نزدیک است، چنان که در گذشته عربها دروغ و خیال را از یک ماده می‌دانستند و ضرب‌المثل مشهوری تا امروز در میانشان رواج دارد و این عبارت که «اشعرهم اکذبهم / شاعرترین کسان دروغگوترین آنهاست» دکتر غنیمی هلال در تبیین همین حقیقت می‌گوید: گسترده کار هنری، سرتاسر، خیال است، هرچند که ماده و موضوع آن طبیعی باشد(چنان که مایلان به تقلید براین باور هستند) اما پس از آن که این مواد و موضوعات به خیال درمی‌آیند یا اصلاً موجود نیستند و یا اگر وجود داشته باشند در جایی دیگر وجود دارند و صورت خیالی همواره با احساسی همراه است که با پیش از آن وجود دارد و یا اصلاً زاده آن است... داستان خیال در شعر و قصه و نمایش همین است، چرا که در تمامی آنها مؤلف در تألیف یک موضوع خیالی می‌کوشد (البته به مفهومی که گزارش آن پیش از این ذکر شد...) از مجموع آن چه در باره خیال درمیان آمد چنین نتیجه گرفته می‌شود که زیبایی را تنها در عالم خیال می‌توان یافت، اما در واقع در خیال هیچ گونه زیبایی وجود ندارد.[۸]

ملاحظه می‌شود که آفرینش هنری با خیال، خواه موهوم و یا تقلید شده از طبیعت درماهیت تفاوت دارد، زیرا در خیال عنصر حقیقی پرورش ذهنی طبیعت در نقش‌های مختلف است و همچنین خیالی از صورت زاده می‌شود، اما درآفرینش هنری در قرآن، عنصر بنیادین تجسم بخشیدن به معانی ذهنی و یا احوری است که در حکم معانی ذهنی هستند و این امر در هیچ کلام بشری پیشینه ندارد، زیرا اصولاً در نظریه «محاکات/ تقلید» تخیل از طبیعت آغاز می‌شود و با نقش آفرینی ذهنی در دورستها به اوج خود می‌رسد و در بسیاری موارد از خاستگاه خود چنان فاصله می‌گیرد که گویی هیچ ما به ازای بیرونی ندارد، اما قرآن کریم به عنوان یک متن متین دینی می‌باید واقعیات و حقایق را بیان کند، از این رو اسلوب و سبکی در آن انتخاب شده که با حقیقت نسبتی تنگاتنگ داشته باشد، از این روی در نظر سید قطب، خیال در قرآن کریم مفهوم آفرینی می‌یابد و عبارت «فهو یعبر بالصورة المحسمه المتخیله عن المعنی الذهنی» واقعاً یک پارادوکس نیست، بلکه بیان نوعی حقیقت است. زیرا در آفرینش هنری اگر خیال به آن مفهومی که درعبارات و آیات قرآنی ملاحظه می‌شود وجود نمی‌داشت. هیچ تفاوتی نمی‌شد میان آیات و عبارات برخوردار از این وصف و آیاتی که چنین وصفی در آن ملاحظه نمی‌گذارد. زیرا در آیات همواره حقایق مجسم را بیان می‌کردند، به خاطر عینیت داشتن موضوع گزاره‌ها نیازی به آفرینش هنری نبود، اما اگر موضوع و مواد این گزاره‌ها معانی ذهنی، حالات روانی، نمونه‌های انسانی و... بوده‌اند که با خود معنای ذهنی هستند و یا در حکم آن هستند، ملاحظه می‌شود که چنین معانی‌ای صرفاً ذهنی بیان نشده‌اند، بلکه در آیات خداوند آگاه به اسرار زبان و آفریننده آن به تصریح قرآن کریم حق را می‌گوید و بس. آنگاه ذهنیات را هم در ساختاری بیان کرده که به آن تجسم و عینیت بخشیده است، تا موضوع برای بشر ملموس‌تر و قابل درک باشد. چنین تجسمی چنان که در بیان نمونه‌ها تصریح خواهیم کرد «مخیل» است. اما آنچه در خیال می‌آید با واقع ارتباطی تنگاتنگ دارد. از این روی است که سید قطب می‌گوید، آفرینش هنری در سه چهارم عبارات و آیات قرآنی به خدمت گرفته شده است و در آن یک چهارم دیگر از آن حیث که گزاره‌ها از ماده و موضوع مقتضی برای بیان تصویری برخوردار بوده‌اند، به شیوه‌ای متناسب با آن درمیان آمده‌اند. در مشاهد القیامه دراین باره آمده است: «من با برشمردن دقیق نصوص قرآن به این نتیجه قطعی رسیده‌ام که از حیث کمی، قصه، صحنه‌های رستاخیز، نمونه‌های انسانی، منطق وجدانی، همراه با تصویر حالات روحی، تشخیص معانی ذهنی و تمثیل پاره‌ای رخدادهای زمان حضرت محمد(ص) تقریباً حدود سه چهارم قرآن کریم را شامل می‌شود و جز گزاره‌های بیان کننده احکام قانون‌گذاری، پاره‌ای موضوع جدل و بخشی از اغراض دیگر که مقتضی روش تقدیر معجز ذهنی هستند، از این سبک مستثنی نیستند که موارد بیش گفته نیز تنها حدوداً یک چهارم را در بردارند.

بنابراین هرگز بیراه نگفته‌ام که آفرینش هنری در اسلوب قرآنی برترین ابزار تعبیر است.[۹]

۶. التصویر الفنی، ص ۳۲
۷. غنیمی هلال، محمد، النقد الأدبی الحدیث، ص ۳۸۸ به بعد
۸. پیشین
۹. سید قطب، مشاهد القیامه، ص ۷

ادامه دارد

نکاتی در مورد حفظ قرآن

قرآن در قلب من

برای حفظ قرآن کریم نکات کلیدی زیر مهم هستند:

قدم اول در این راه، طلب توفیق خداوند منان است که اهمیتی بسزا در موفقیت قرآن‌آموز در مراحل بعدی دارد. مواردی مشاهده شده است که فرد یا افرادی با بی‌تجربگی یا تجربه‌ای اندک و تنها با نیت خیر و مخلصانه با در این راه گذاشته‌اند و درنهایت به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند.

استفاده از نوار قاریان برتر به شکل ترتیل به موازات حفظ به صورت معمولی یا سه بار تکرار فواید بسیاری را برای حافظ به دنبال دارد که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) اگر حداقل یک بار قبل از حفظ، آیات موردنظر به وسیله نوار برای قرآن‌آموز تکرار شود و او هم از روی خط قرآن، آیات را دنبال کند، موجب تقویت صحت قرائت می‌شود. منظور از صحت قرائت، تلاوت صحیح آیات کریم قرآن است یعنی از اشتباه حفظ کردن کلمات جلوگیری به عمل می‌آید.

ب) تداوم استفاده از نوار چه قبل از حفظ و چه در هنگام حفظ یا دوره کردن محفوظات - که شرح آن در بندهای بعدی خواهد آمد - موجب تقویت صوت و لحن، تجوید و وقف ابتدای حافظ می‌گردد و چنین فردی برای شرکت در مسابقات حفظ قرآن در آینده کاملاً آماده می‌شود. اما چنانچه عمل حفظ، منفک از موارد فوق انجام شود سبب پایین آوردن کیفیت کار و اتلاف وقت بیشتر برای یادگیری موارد ذکر شده می‌شود.

ج) استفاده قرآن‌آموز از نوار ترتیل، منجربه تقویت صوت و لحن وی می‌شود که موجب تشویق بیشتر او برای تداوم حفظ و مرور محفوظات می‌شود و نیز در هنگام قرائت قرآن، لذت بیشتری نصیب حافظ می‌شود چرا که با صدایی نیکو به تلاوت قرآن مجید می‌پردازد.

در امر حفظ، رعایت موارد زیر سودمند به نظر می‌رسد:

الف) زمان حفظ باید بسیار مناسب باشد و بهترین وقت آن، زمانی که انسان استراحت کافی کرده است، مثلاً صبح‌ها بعد یا قبل از ادای فریضه صبح، چرا که در این حالت حافظ توانایی زیادی در پذیرش و به خاطر سپردن آیات دارد. از حفظ قرآن کریم در اوقاتی که حافظ احساس خستگی یا پریشانی می‌کند حتی المقدور پرهیز شود، چون که انجام عمل حفظ در این ساعات معمولاً موجب پایین آوردن کیفیت عمل حفظ می‌شود.

ب) مکان حفظ در روند پیشرفت حفظ بسیار تأثیرگذار است. سعی شود مکانی عاری از هرگونه سر و صدا و دیگر عوامل خارجی نامطلوب برای حفظ انتخاب شود، البته خود حافظ هم باید تمرکز خود را متوجه حفظ آیات کند و او توجه به اطراف بپرهیزد.

ج) سعی شود یک جلد قرآن کریم برای همیشه یا مدتی طولانی به حفظ، اختصاص داده شود و در صورت نیاز به تعویض قرآن کریم، از همان رسم‌الخط استفاده شود. (که در این باب استفاده از قرآن به خط عثمان طه مناسب به نظر می‌رسد) تغییر رسم‌الخط قرآن مجید، موجب آشفتگی محافظین حافظ می‌شود.

حال به شرح انجام عمل حفظ می‌پردازیم:

بعد از مرور آیات با نوار، شروع به حفظ می‌کنیم بدین ترتیب که از ابتدای آیات هربار چند کلمه (مثلاً ۲ یا ۳ تا حتی یک کلمه) را انتخاب و آنها را چندین بار تکرار می‌کنیم تا به خوبی در حافظه جای گیرند؛ بعد، از اول آیه تا آخرین کلمه‌ای که حفظ شده است می‌خوانیم در صورتی که اشکالی پیش آمد بهتر است تکرار را بیشتر کنیم و به همین ترتیب ادامه می‌دهیم تا آیه تمام شود، بعد از اتمام هر آیه از نخستین آیه‌ای که در آن روز شروع به حفظ کردیم دوباره می‌خوانیم تا آیات و کلمات به صورت سلسله‌وار در ذهن جای گیرند.

فرآیند دوره کردن محفوظات، نقش مهمی در نگهداری آیات حفظ شده دارد و چنانچه این عمل به خوبی و به طور دقیق انجام نشود بیم از دست رفتن محفوظات می‌رود.

(به قول یکی از حفاظ معروف، نگهداری حفظ قرآن مجید از کاربک پزشک هم مشکل‌تر است) و عقیده بسیاری از صاحب نظران نیز مؤید این مطلب است که مراقبت از محفوظات و اجزای حفظ شده از خود حفظ مهمتر و به مراتب مشکل‌تر است.

نکته مهمی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد این است که مرور محفوظات قرآنی حتماً باید به صورت مستمر و مداوم باشد. اگر روزی حافظ موفق به حفظ نشد چندان مهم نیست ولی استمرار دوره محفوظات بخصوص در آغاز راه بسیار، حائز اهمیت است و به هیچ وجه نباید ترک شود.

بی‌توجهی به این مطلب، موجب می‌شود که زحمات حافظ، هدر رود و ممکن است موجب یأس و ناامیدی او نیز شود.

می‌توان دوره محفوظات را در قالب سه بخش زیر انجام داد که به ترتیب اهمیت، آنها را بیان می‌کنیم:

الف) مرور آیاتی که در همان روز حفظ شده‌اند (بین ۵ تا ۱۰ بار از فواصل زمانی مناسب و مساوی) مثلاً اگر کسی صبح، ۵ آیه را حفظ کرده است باید در تمامی طول روز تا آخر شب، این پنج آیه را در فواصل زمانی مناسب و تقریباً مساوی تکرار کند و این تکرار باید تا جایی که امکان دارد زیاد باشد (مثلاً بین ۵ تا ۱۰ مرتبه)

عدم توجه به این مرحله ممکن است سبب فراموش شدن تمام یا بخش عمده‌ای از محفوظات جدید شود.

ب) هر سری از آیات (مثلاً هر صفحه) که حفظ می‌شود بعد از مرور روزانه در خطر فراموشی قرار دارد و باید بین ۷ تا ۱۰ روز بعد از روزی که عمل حفظ آنها انجام شده است تکرار شوند.

ج) دوره محفوظاتی که قبل از آیات گفته شده در بندهای الف و ب حفظ شده‌اند و این قسمت، برای تحکیم حفظ است، مثلاً کسی که حافظ ۵ جزء قرآن کریم است (البته بعیز آیاتی که اخیراً حفظ کرده است) می‌تواند هر روز، یک جزء یا بیشتر را در این قسمت مرور کند که البته مقدار آن بیشتر بستگی به وقت و موقعیت حافظ دارد.

نکاتی تکمیلی در دوره کردن محفوظات:

ـ سعی شود برای دوره محفوظات هم، از یک یا دو جلد، قرآن مخصوص استفاده شود. مثلاً یک قرآن معمولی و یک قرآن جیبی که از قرآن جیبی می‌توان در اوقات مرده مثلاً در هنگام تردد استفاده کرد.

ـ اگر دوره محفوظات به صورت ارائه به فردی دیگر یا شرکت در کلاس حفظ و ارائه به استاد باشد، دارای کیفیت بالاتری است. همچنین افراد می‌توانند به صورت گروهی و هماهنگ اقدام به حفظ کنند و در هنگام مرور محفوظات هم، به نوبت، هر یک وظیفه بررسی محفوظات افراد دیگر را با استفاده از قرآن برعهده بگیرد.

ـ بهتر است که در هنگام دوره محفوظات چه به صورت ارائه به فرد دیگر یا به صورت منفرد، در جاهایی که به اشکالی برخورد می‌شود یادداشت شود و حافظ هم باید وقتی جداگانه را برای مرور دوباره و رفع این اشکالات صرف کند.

ـ سعی شود حداقل بخشی از دوره محفوظات با استفاده از نوار ترتیل صورت گیرد که می‌توان همراه با یدک از نوار، آیات را تلاوت کرد.

ـ در کنار حفظ قرآن مجید و بعد از اتمام حفظ، حضور در جلسات و مسابقات قرآنی چه به عنوان حافظ در جلسه و یا به عنوان اجرا کننده برنامه حفظ یا شرکت کننده در مسابقات، بسیار مفید و حتی لازم به نظر می‌رسد. چرا که با هر جلسه یا مسابقه حتی اگر با موفقیتی هم همراه نباشد حافظ یک قدم به جلو حرکت می‌کند و در کیفیت یا کمیت کار او تأثیری مثبت گذاشته می‌شود.

نکته آخر:

همه مهارت‌های قرآنی از جمله حفظ و قرائت قرآن و روخوانی و تجوید و ... همه باید مقدمه‌ای برای آشنایی با مفاهیم و تفسیر این کتاب مقدس باشد تا درنهایت منتج به عمل به این کتاب مقدس و آسمانی و انسان ساز شوند. دانستن این مطلب، انگیزه حافظ را به شدت تقویت می‌کند.

«بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم و ما یجحد بآیاتنا الا الظالمون»

(بلکه قرآن آیات روشنی است در سینه عالمان و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی‌کنند) (آیه ۴۹ از سوره مبارکه عنکبوت)

● دوره محفوظات حتماً باید از حفظ انجام شود (حداقل در مراحل ابتدایی تا مسلط نشدن بطور کامل).

● حفظ قرآن کریم را می‌توان عمل نسبتاً مشکلی دانست چرا که نیاز به پشتکار و همت زیادی دارد. در حدیث از معصوم آمده است که «ارزش انسان به همت اوست» پس باید در این کار تلاش و پشتکار را هیچ وقت فراموش نکرد. ممکن است در بعضی اوقات، یأس و ناامیدی به سراغ انسان بیاید که حافظ باید در این مراحل در درجه اول اتکا و توکل به خداوند داشته باشد و ثانیاً به خود قرآن کریم و ائمه اطهار تمسک جوید تا بتواند این راه پرفراز و نشیب را با موفقیت پشت سر بگذارد. ان شاءالله.

● یادگیری و حفظ قرآن مجید اختصاص به گروهی خاص ندارد و هر فردی حتی با مشغله‌های فکری و کار زیاد متناسب با وقت خود می‌تواند زمانی هرچند اندک را صرف انجام مراحل فوق کند. همیشه باید سعی شود کیفیت کار بالا برده شود نه فقط کمیت.

● یادگیری بعضی از قواعد عربی می‌تواند در تحکیم حفظ، انسان را یاری دهد و می‌تواند مانع بسیاری از غلط‌های اعرابی شود. توجه به ترجمه آیات و شأن نزول و تفسیر نیز در جاگیری بلندمدت آیات در ذهن، نقشی منحصربه فرد دارد چرا که مفهوم آیه با روح و فکر حافظ عجین می‌شود، از طرفی توجه به ترجمه و تفسیر، راه را بر عمل به مفاهیم قرآن هموارتر می‌کند.

● در اثر حفظ قرآن کریم، حافظه فرد به شدت تقویت می‌شود. این موضوع را همه حافظان قرآن، تأیید می‌کنند؛ حتی افرادی که یک یا دو جزء حفظ کرده‌اند این مطلب را درک می‌کنند.

مهمترین نکته آنکه، تجربه چشیدن شیرینی حفظ قرآن که پس از مدتی استمرار بر حفظ و تلاش برنامه‌ریزی شده به دست می‌آید، و زیباترین تجربیات عمر هر کسی است و انصافاً حیف است که دانشجویان مستعد و خوش حافظه با سستی و بی‌برنامگی این شیرینی را نچشند. خدا نیز قول همراهی و کمک و هدایت قرآن دوستان را داده است.